

توطئه بمب‌نامه لهی علیه رئیس‌جمهور هری اس. ترومن در سال ۱۹۴۷

در اواسط سال ۱۹۴۷، در حالی که تنش‌ها در فلسطین تحت قیمومیت بریتانیا تشدید می‌شد، گروه شبه‌نظامی صهیونیستی لهی، که به نام باند اشترن نیز شناخته می‌شود، تلاشی جسورانه اما در نهایت ناموفق برای هدف قرار دادن رئیس‌جمهور ایالات متحده، هری اس. ترومن، با بمب‌های نامه‌ای ترتیب داد. این حادثه کمتر شناخته‌شده، که تحت‌الشعاع اقدامات بدنام‌تر لهی قرار گرفت، نشان‌دهنده تمایل این گروه به حمله به شخصیت‌های بین‌المللی بود که به نظرشان مانع تحقق چشم‌انداز آنها برای تشکیل دولت یهودی بودند. اگرچه این توطئه هیچ آسیبی به همراه نداشت، اما بر تقاطع پرنوسان سیاست خارجی ایالات متحده و قیام یهودیان در آستانه تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تأکید می‌کند.

زمینه: لهی و مبارزه برای فلسطین

لهی، که در سال ۱۹۴۰ توسط آبراهام اشترن تأسیس شد، گروهی تندرو و جدا شده از سازمان بزرگ‌تر غیرگون زوای لنومی بود که هر دو به دنبال پایان دادن به حاکمیت بریتانیا در فلسطین و تأسیس دولت یهودی بودند. برخلاف غیرگون که رویکرد محتاط‌تری داشت، لهی تاکتیک‌های افراطی از جمله ترور و بمب‌گذاری را در پیش گرفت و مقامات بریتانیایی، غیرنظامیان عرب و حتی یهودیان میانه‌رو را هدف قرار داد. تا سال ۱۹۴۷، کارزار لهی شدت یافته بود، که ناشی از ناامیدی از سیاست‌های محدودکننده مهاجرت یهودیان بریتانیا - که در سند سفید سال ۱۹۳۹ تدوین شده بود - و پیشرفت کند جامعه بین‌المللی در حل مسئله فلسطین بود.

رئیس‌جمهور هری اس. ترومن، که در آوریل ۱۹۴۵ به قدرت رسید، در این زمینه نقشی محوری داشت. او نسبت به پناهندگان یهودی و آرمان صهیونیستی همدردی نشان می‌داد و از تأسیس سرزمین یهودی حمایت کرد، به‌ویژه با به رسمیت شناختن اسرائیل چند دقیقه پس از اعلام استقلال آن در ۱۴ مه ۱۹۴۸. با این حال، در سال ۱۹۴۷، دولت او با فشارهای متضادی مواجه بود: حمایت از آرمان‌های یهودیان در حالی که روابط با کشورهای عربی را حفظ می‌کرد و از گرفتار شدن در هرج‌ومرج قیمومیت بریتانیا اجتناب می‌ورزید. درخواست‌های ترومن برای افزایش مهاجرت یهودیان به فلسطین و تأیید طرح تقسیم سازمان ملل از نظر گروه‌هایی مانند لهی ناکافی تلقی می‌شد، که هرگونه تأخیر یا مصالحه را خیانت می‌دانستند.

توطئه: بمب‌های نامه‌ای به کاخ سفید

در اواسط سال ۱۹۴۷، عوامل لهی مجموعه‌ای از بمب‌های نامه‌ای را که به رئیس‌جمهور ترومن و مقامات ارشد کاخ سفید خطاب شده بود، ارسال کردند. این دستگاه‌ها، که به شکل نامه‌های معمولی پنهان شده بودند، بخشی از کارزار گسترده‌تری بودند که شامل بمب‌های مشابهی برای مقامات بریتانیایی، از جمله ارنست بوین، وزیر امور خارجه، و آرتور کریچ جونز، وزیر مستعمرات، بود. این توطئه توسط رهبری لهی، احتمالاً با مشارکت افرادی مانند یتسحاک شامیر، نخست‌وزیر آینده اسرائیل که در این دوره نقش کلیدی در عملیات لهی داشت، سازماندهی شد.

بمب‌های نامه‌ای پیش از رسیدن به اهدافشان، احتمالاً توسط سرویس‌های پستی یا امنیتی ایالات متحده، رهگیری شدند، اگرچه جزئیات دقیق این رهگیری اندک است. هیچ انفجاری رخ نداد و هیچ گزارشی از جراحت یا مرگ ثبت نشد. این حادثه در آن زمان توجه عمومی ناچیزی دریافت کرد، شاید برای جلوگیری از تشدید روابط ایالات متحده و صهیونیست‌ها یا تشویق به حملات بیشتر. اسناد تاریخی، از جمله گزارش‌های مربوط به تلاش‌های ترور علیه رؤسای جمهور ایالات متحده و فعالیت‌های لهی، وجود این توطئه را تأیید می‌کنند اما جزئیات محدودی ارائه می‌دهند، که نشان‌دهنده جایگاه آن به عنوان عملیاتی کوچک و ناموفق است.

انگیزه: چرا ترومن هدف قرار گرفت؟

تصمیم لهی برای هدف قرار دادن ترومن ناشی از برداشت آنها از سیاست ایالات متحده بود که به اندازه کافی از اهداف صهیونیستی حمایت نمی‌کرد. علی‌رغم حمایت ترومن از مهاجرت یهودیان و سرزمین یهودی، لهی رویکرد محتاطانه دولت او - که منافع اعراب و بریتانیا را متعادل می‌کرد - را مانعی می‌دید. استراتژی گسترده‌تر این گروه به دنبال بین‌المللی کردن “جنگ آزادی‌بخش” آنها علیه حاکمیت بریتانیا و فشار بر قدرت‌های جهانی برای اقدام قاطع بود. با هدف قرار دادن ترومن، لهی قصد داشت پیامی ارسال کند که هیچ رهبری از دسترس آنها خارج نیست، به امید برهم زدن سکون دیپلماتیک و جلب توجه به آرمان خود.

تاکتیک بمب‌های نامه‌ای برای لهی تازگی نداشت. آنها پیش‌تر از این روش در حملات قبلی استفاده کرده بودند، از جمله تلاشی در سال ۱۹۴۶ علیه مقامات بریتانیایی و ترور لرد موین، وزیر دولت بریتانیا در خاورمیانه، در سال ۱۹۴۴. کارزار سال ۱۹۴۷ این رویکرد را به ایالات متحده گسترش داد، که نشان‌دهنده جسارت و ناامیدی رو به رشد لهی در حالی که درگیری در فلسطین شدت می‌یافت بود.

پیامدها و تأثیرات

توطئه ناکام تأثیر فوری کمی داشت. ترومن، بدون هراس، به شکل‌دهی سیاست ایالات متحده در قبال فلسطین ادامه داد، که در نهایت با به رسمیت شناختن سریع اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به اوج خود رسید. این حادثه به‌طور قابل‌توجهی روابط ایالات متحده و صهیونیست‌ها را تغییر نداد، احتمالاً به دلیل محرمانه بودن آن و زمینه گسترده‌تر حمایت ایالات متحده از دولت یهودی. لهی، که توسط سازمان ملل، دولت‌های بریتانیا و ایالات متحده و همچنین رهبران اصلی صهیونیست مانند دیوید بن‌گوریون به عنوان سازمانی تروریستی محکوم شده بود، پس از تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ منحل شد. اعضای آن به نیروهای دفاعی اسرائیل ملحق شدند و برخی، مانند شامیر، به نقش‌های سیاسی برجسته‌ای دست یافتند.

گمنامی این توطئه در روایت‌های تاریخی نشان‌دهنده نبود پیامدهای ملموس و حساسیت روابط ایالات متحده و اسرائیل در آن زمان است. برخلاف ترور لهی علیه فولکه برنادوت در سال ۱۹۴۸، که خشم بین‌المللی را برانگیخت، توطئه ترومن به عنوان حاشیه‌ای باقی ماند و تنها به صورت گذرا در گزارش‌های فعالیت‌های لهی یا امنیت رئیس‌جمهور ایالات متحده ذکر شد.

میراث و اهمیت تاریخی

توطئه بمب‌نامه علیه ترومن در سال ۱۹۴۷ پیچیدگی‌های جنبش صهیونیستی پیش از تأسیس اسرائیل را برجسته می‌کند، که شامل گروه‌های میانه‌رو و افراطی بود. اقدامات لهی، هرچند توسط شخصیت‌هایی مانند حییم وایزمن و بن‌گوریون

محکوم شد، بخشی از مبارزه گسترده‌تری بود که در نهایت به تأسیس اسرائیل کمک کرد، اگرچه روش‌های آنها متحدان را بیگانه کرد و دیپلماسی را پیچیده ساخت. این حادثه همچنین چالش‌های اولیه دخالت ایالات متحده در خاورمیانه را نشان می‌دهد، در حالی که ترومن میان فشارهای داخلی و بین‌المللی برای تعریف نقش آمریکا در مناقشه اعراب و اسرائیل حرکت می‌کرد.

امروزه، این توطئه گاه در بحث‌های مربوط به تلاش‌های ترور علیه رؤسای جمهور ایالات متحده یا میراث بحث‌برانگیز لهی ذکر می‌شود. در پلتفرم‌هایی مانند ایکس، ارجاعات به این حادثه گاهی در روایت‌هایی ظاهر می‌شود که روابط ایالات متحده و اسرائیل را زیر سؤال می‌برند، اما اغلب فاقد ظرافت یا اغراق در تأثیر لهی هستند. مورخان این توطئه را به‌عنوان اپیزودی جزئی اما روشن‌گر می‌بینند، که نشان‌دهنده میزان تلاش گروه‌های افراطی برای دستیابی به اهداف خود است.

نتیجه‌گیری

توطئه بمب‌نامه لهی علیه رئیس‌جمهور هری اس. ترومن در سال ۱۹۴۷ تلاشی ناکام برای اعراب یک شخصیت کلیدی بین‌المللی در لحظه‌ای حساس از درگیری فلسطین بود. اگرچه این توطئه هیچ آسیبی به همراه نداشت، اما تاکتیک‌های رادیکال لهی و مخاطرات بالای مبارزه صهیونیستی برای تشکیل دولت را منعکس می‌کند. استقامت ترومن و حمایت مداوم او از دولت یهودی به شکل‌گیری خاورمیانه مدرن کمک کرد و توطئه لهی را به عملی گذرا، هرچند جسورانه، در عصری تحول‌آفرین تبدیل کرد.